



The 1<sup>st</sup> International Conference of IALE-Iran  
30-31 October 2013, Isfahan University of Technology, Iran

نخستین کنفرانس بین المللی

# اکولوژی سیمای سرزمین

Web: [www.Iale.Iran.iut.ac.ir/conference](http://www.Iale.Iran.iut.ac.ir/conference), Email: [Iale.Iran@of.iut.ac.ir](mailto:Iale.Iran@of.iut.ac.ir)



## بررسی معیارهای زیباشناسانه مناظر فرهنگی و نقش آن در ادراک زیبایی اکولوژیک سیمای سرزمین

فریبا وحیدزادگان<sup>۱</sup>، سید حمید متین خواه<sup>۲</sup>، منیژه آسایش<sup>۳</sup>

چکیده

یکی از رویکردهای زیبایی شناختی، زیبایی اکولوژیک، به معنای حفظ تمامیت و زیبایی اجتماعات زنده است که سبب می شود افکار ما در مورد تجربه زیبایی از فرایندی اساسا بصری با لذت آنی به تفکری جامع تغییر یابد. بخشی از اکولوژی سیمای سرزمین مربوط به مناظری است که در طی تاریخ ارتباط متقابل انسان و محیط زیست اش با هدف تامین سرپناه و... شکل گرفته اند. نظیر آنچه امروز تحت عنوان مناظر فرهنگی و بالاخص آثار دستکند در غالب روستای کندوان و میمند و... شاهد آن هستیم آثار منحصر به فردی که به احتمال قریب به یقین هرگز تکرار نخواهند شد و جدای از قدمت و ارزش تاریخی به دلیل تاثیری که در ادراک و تجربه زیبایی دارند حائز اهمیت اند. این مقاله با ارزیابی کیفیت زیبایی منظر با رویکرد "زیبایی در ذات منظر است" و با ارزش گذاری بر اساس جنبه های بصری و عینی، مناظر فرهنگی نظیر آثار معماری دستکند را از بعد زیبایی شناسانه و نقش آنها را در ادراک و تجربه زیبایی مورد ارزیابی قرار می دهد. نتایج نشان می دهد بین زیبایی منظر و عدم اجبار محیط به پذیرش زیبایی رابطه قوی وجود دارد. در واقع، زیبایی تنها از طریق نظم و قاعده به دست نمی آید، بلکه نتیجه دو صفت متضاد است که هر دو به یک اندازه ضروری هستند نظیر تنوع و پیچیدگی، وحدت، مرموز بودن، مقیاس های چندگانه، حس مکان و قدرت. تعیین معیارهای زیبایی شناسی اکولوژیک این مناظر فرهنگی می تواند در طراحی های آتی مورد توجه و استفاده قرار گیرند.

کلید واژه ها: زیبایی شناسی اکولوژیک، مناظر فرهنگی، ادراک زیبایی، سیمای سرزمین

<sup>۱</sup> دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، گروه طراحی فضای سبز، اصفهان، ایران [f.vahidzadegan@yahoo.com](mailto:f.vahidzadegan@yahoo.com)

<sup>۲</sup> دانشیار دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشکده منابع طبیعی، گروه مرتع و آبخیزداری، اصفهان، ایران [matinkhah@yahoo.com](mailto:matinkhah@yahoo.com)

<sup>۳</sup> دانشگاه تهران، دانشکده محیط زیست، گروه طراحی محیط زیست، تهران، ایران [manijeh.asayesh@ut.ac.ir](mailto:manijeh.asayesh@ut.ac.ir)

## مقدمه

منظر جلوه ای از فضای زیست انسان است که توسط استفاده کننده درک می شود و باید اذعان داشت مهم ترین وجه محیط زیست است که با انسان ارتباط روحانی دارد. یکی از ۱۰ نگرشی که ماتلاک در کتاب آشنایی با طراحی محیط و منظر نسبت به منظر بیان می کند محیط و منظر به عنوان تجربه زیبایی شناختی است که تاکید اصلی را بر کیفیات هنری سیمای محیط و منظر دارد و ارتباط فکری و ذهنی انسان با منظر بررسی می شود. تجربه زیبایی شناسی در این دیدگاه، مبتنی بر تعمقی نشأت گرفته از درون موجود زنده است که سبب می شود او محیطش را بهتر درک کند این تجربه در بین همه مردم و در هر زمانی، مستلزم تمرکز به برخی از جنبه های محیط اطراف است که ترکیبی از زیبایی طبیعی و زیبایی ایجاد شده به وسیله انسان است. (ماتلاک، ۱۳۸۷)

وجه امتیاز این رویکرد، نسبت به رویکردهای دیگر، در این است که پاسخگوی بالاترین سطح از نیازهای انسانی یعنی نیاز به زیبایی شناسی (از دیدگاه مازلو) است. علت اصلی انتخاب موضوع زمینه عام و جهانی زیبایی است که مورد توجه و نظر جملمگی انسان ها و فعالیت های انسانی می باشد و اهمیت و ارزش آن در فرهنگ ایرانی و نقش بنیادین آن در طراحی محیط و منظر است، به طوری که طراحی محیط زیست بدون توجه به این اصول سبب ایجاد منظر شده است که مردم ارتباط لازم را با آنها برقرار نکرده و آن را متعلق به خود نمی دانند و در نتیجه از آنها محافظت نکرده و چه بسا دست به تخریب آن می زنند.

افلاطون زیبایی را هماهنگی اجزا با کل می دانست و آن را به دو نوع زیبایی طبیعی و موجود زنده و زیبایی هندسه تقسیم می کرد. الکساندر زیبایی در طبیعت را در مطابقت کامل ظرف با مظر ف آن می داند و معتقد است که هر ظرفی به نسبتی که به این تطابق نائل آید، یعنی به میزانی که در آنچه هست با آنچه باید باشد قرابت بیشتری برقرار کند زیباتر است. طبیعت شایسته ترین پدیده ای است که حس زیبایی شناسی را در انسان بر می انگیزد در حالیکه کلیه مصنوعات بشری در ارضای این ارتباط ناتوانند چرا که تصویری هنرمندانه از طبیعت انسان را به رضایت معنوی می رساند. در اوایل قرن بیستم آلدولثوپولد به بسط زیبایی اکولوژیک مبادرت ورزید تا بدین وسیله بتواند در نحوه تغییر منظر تاثیر مثبت داشته باشد. دیدگاه او بر اخلاقیات محیطی متکی بود یعنی هر چه در جهت حفظ تمامیت و زیبایی اجتماعات زنده عمل کند درست و آنچه بر ضد این باشد غلط است. گابستر در مورد این نظریه می گوید که این نگرش موجب می شود افکار ما در مورد تجربه زیبایی گسترش یابد و آن را از فرایندی اساسا بصری و با لذت آنی به تفکری جامع که از تمامی حواس استفاده شود تغییر یابد. (وحیدزادگان، ۱۳۹۰)

تجلی زیبایی را در مناظر طبیعی و آثار بر جای مانده از پیشینیان می توان دید که چگونه هنرمندانه این مبانی را در آثار خود اعمال نموده اند. در نواحی مختلف جهان مناظر گوناگونی وجود دارند که هر یک با برخوردار بودن از ویژگی هایی خاص، می توانند نماینده ی منظر خاص یک ناحیه باشند. آمیزه هایی از ویژگی های طبیعی و مداخلات انسانی که رابطه ی طولانی و نزدیک بین انسان ها و محیط طبیعی شان را نشان می دهند. اهمیت بعضی از این مناظر به این جهت است که منعکس کننده ی روش های منحصر به فردی برای استفاده از زمین هستند که در سازگاری کامل با حفظ تنوع گونه های زیستی منطقه می باشند، و بعضی دیگر از این جهت دارای ارزش اند، که پیوسته به باورهای ذهنی اجتماعی با اعتقادات، هنر و سنت هایی قوی هستند و رابطه ی معنوی استثنایی را بین انسان و طبیعت نشان می دهند. برای شناخت و حفظ این گوناگونی رابطه ی متقابل بین انسان و محیط، برای محافظت از فرهنگ ها و سنن قدیمی که هنوز وجود دارند و باقی نگهداشتن رِد پا و نشانه های آنها که ناپدید شده اند، این مناظر که آنها را «مناظر فرهنگی» می نامیم بایستی شناخته شده و محافظت گردند. بر اساس معاهده ی

میراث جهانی در سال ۱۹۹۲ به عنوان اولین سند حقوقی بین‌المللی برای شناسایی و حفاظت مناظر فرهنگی این مناظر به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند. یک دسته از این مناظر، مناظری هستند که در ابتدا در اثر یک الزام اولیه اجتماعی، اقتصادی و یا مذهبی بوجود آمده‌اند و سپس در پاسخ به شرایط محیط طبیعی‌شان و در پیوستگی با آن به صورت امروزی‌شان توسعه یافته‌اند. چنین مناظری بازتاب دهنده‌ی روند تکامل در شکل کلی و در سیمای اجزای تشکیل‌دهنده‌شان می‌باشد (خواه سیر تکامل آنها در گذشته متوقف شده باشد و یا تا به امروز تداوم یافته باشد و نقش اجتماعی‌اش را در جامعه‌ی معاصر در همبستگی با روش‌های سنتی زندگی حفظ کرده باشد) (مرکز اسناد ICOMOS- UNESCO) و طیف وسیعی از عملکردها از روستا و قنات تا معبد و پرستشگاه را شامل می‌شوند. که به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی چون انطباق با محیط و عدم اجبار محیط به پذیرش زیبایی دارای زیبایی اکولوژیک به معنی زیبایی در انطباق کامل با سیمای سرزمین اند که در این مقاله مد نظر بوده است. این مقاله این مناظر را از دیدگاه‌های مختلف زیبایی‌شناسی مورد بررسی قرار داده و معیارهای زیبایی‌شناسانه اندیشمندان مختلف و نقش آنها در ادراک زیبایی را مورد بررسی قرار داده‌است. دانستن و آشنایی با این معیارها می‌تواند چالشی در طراحی سایر فضاها و مناظر آتی ایجاد نماید.

### روش تحقیق

روش‌های ارزیابی زیبایی مناظر به دو دسته ۱- ارزیابی ترجیحات مردم و ۲- ارزیابی توسط متخصص تقسیم بندی می‌شوند. در مدل‌های ارزیابی تخصصی، ارزش‌گذاری بر اساس جنبه‌های بصری و عینی و توسط ارزیاب متخصص و در قالب رویکرد "زیبایی در ذات منظر" است انجام می‌گیرد در حالی که در مدل ارزیابی توسط ترجیحات مردم رویکرد "زیبایی در چشم بیننده" است اهمیت می‌یابد. (امین زاده، ۱۳۸۹) در این مقاله بر اساس رویکرد اول و با بررسی مناظر فرهنگی دستکند از دیدگاه‌های مختلف با استفاده از روش توصیفی و قیاسی ملاکها و معیارهای زیبایی‌شناسانه این مناظر استخراج و جهت استفاده در طراحی و بهسازی و احیا مناظر آتی مورد توجه قرار می‌گیرند.

### دیدگاه‌های موجود در زمینه ادراک زیبایی

#### کل‌گرایان و دید ادراکی

واژه aesthetics از لغت یونانی کلاسیک aisthanesthai به معنای "ادراک کردن" و aistheta به معنای "موضوعات ادراک شده" مشتق شده است. (بل، ۱۳۸۲: ۸۸) از قرن هیجدهم به بعد، مفهوم زیبایی بیشتر جنبه روانشناسی به خود گرفت و در ارتباط با ادراک دیده شد. از آنجایی که عوامل روانی و اجتماعی بر ادراکات انسان اثرات مهمی بر جای می‌گذارند، در احساس او از زیبایی نیز موثرند. ارزش زیبایی شناختی یک فضا هنگامی قابل ادراک می‌شود که بتواند خود را به عنوان یک موجود مستقل از ذهن برای ناظر مطرح کرده و ذهن او را به فعالیت وادارد. در این حالت فضا باید دارای پیام مشخص و مستقل باشد تا ناظر خود را در تقابل با آن احساس کرده و برای دریافت فرم و محتوای آن تلاش کند. (آیوازیان، ۱۳۸۱: ۶۴) در پاسخ به این پرسش که آیا تجربه زیبایی تنها وابسته به عوامل ادراکی است یا عوامل غیر ادراکی نظیر شرایط فرهنگی، دانش علمی یا الگوهای از پیش تعیین شده نیز در این امر مشارکت دارند دو دیدگاه وجود دارد:

پیروان نظریه "کل‌گرایی" معتقدند غالب کیفیات ادراکی وابسته به هم بوده و به طور همزمان رخ می‌دهند و واکنش ما به زیبایی یک اثر تحت تاثیر مجموعه‌ای از عوامل مانند آگاهی و آشنایی با مناظر قرار دارد.

اما پیروان نظریه "دید ادراکی" با تاکید بر اینکه هنگام ادراک منظره یا شی جنبه‌های زیبایی آن موجب ایجاد لذت یا ناخوشایندی می‌شود معتقدند ارزش‌گذاری‌های مثبت یا منفی از یک منظر تنها کیفیت آن را از نظر بیننده نشان می‌دهد بنابراین قضاوت در مورد یک منظر یا اثر بر پایه دانسته‌ها و در چهارچوب فرهنگی یا تاریخی صورت نمی‌گیرد.

یوریکوسیو زیبایی شناس آمریکایی معتقد است آگاهی و جنبه های اجتماعی می تواند موجب ارتقای زیبایی از ادراک حسی اولیه به چیزی با معنا و ارزشمند شود. او در این رابطه حس مکان<sup>۱</sup> را مطرح می کند که می تواند به عنوان یک بعد قوی زیبایی به شمار رود و نیازمند سطحی از آگاهی است. همه افراد می توانند بدون در دست داشتن اطلاعات قبلی در مورد منظر، زیبایی آن را تجربه کنند. ارزیابی ما همیشه تحت تاثیر مفاهیم مشخصی است که تجربه زیبایی را در یک زمینه شخصی و فرهنگی قرار می دهند. در نتیجه هنگام ادراک یک منظر بلافاصله یک تجربه زیبایی به دست می آوریم اگر درباره منشا آن آگاهی داشته باشیم این تجربه عمیق تر می شود. (بل، 1382: 92) بنابراین هر چند عوامل غیر ادراکی متعاقبا تجربه زیبایی را کامل کرده و تحت تاثیر قرار می دهند، تجربه زیبایی اساسا ادراکی است. مناظر فرهنگی نیز مانند مناظر طبیعی دارای ارزش های زیبایی اند. تغییر در ادراک و اطلاعات پس ادراکی تجربه بعدی زیبایی از منظر را تحت تاثیر قرار می دهند. در این رابطه به دلیل احساس و رابطه مشترک انسان ها با طبیعت و ارتباط با طبیعت به عنوان بخشی از تاریخ تکامل انسان می توان زیبایی همگام با طبیعت و به عبارتی زیبایی اکولوژیک را از طرفی در ارتباط با فرهنگ و گذشته بشر قرار داده و به دلیل عمومیت این تجربه برای همه افراد (نوع بشر) و به دلیل آگاهی موجود از منشا آن تجربه این نوع زیبایی قطعاً غنی تر و قوی تر و مطلوب تر خواهد بود.

### تجربه احساس زیبایی و تعالی<sup>۲</sup> در مناظر فرهنگی و آثار دستکند :

توجه به زیبایی و تعالی در بالاترین حد کیفی طیف زیبایی شناسی منظر قرار دارند. بسط این دو مفهوم در قرن هجدهم افکار زیادی را به خود جلب کرد. تجربه تعالی زمانی رخ می دهد که شکوه منظره ای که درک آن دشوار است حواسمان را فرا گیرد و ما در مناظری پیچیده و در مقیاسی بزرگ قرار گیریم؛ در این هنگام احساس کوچکی کرده و تا حدودی ترس را تجربه می کنیم. این گونه مناظر تخیل و ظرفیت قضاوت ما را متوجه خود می کند. نظیر آنچه در برخورد با پدیده های طبیعی نظیر آبشار نیاگارا و یا گراند کانیون ها و گاهی در برخورد با مناظر فرهنگی و عناصر معماری که از نظر مقیاس یا سایر ویژگی ها ما را تحت تاثیر قرار می دهند نظیر روستای میمند و یا قلعه رودخان احساس می کنیم. از تشابهات دو حس زیبایی و تعالی، می توان به موارد زیر اشاره کرد : هر دو لذت بخش اند؛ قضاوت در مورد هر دو انعکاسی است نه بر اساس منطق و احساسی مشترک؛ ایجاد لذت در هر دو با یک بینش آنی همراه است و... و تفاوت های این دو شامل : زیبایی از طریق کامل بودن و وحدت شکل ایجاد می شود در حالی که بی شکلی یا شکلی که در اثر پیچیدگی و غیر قابل درک بودن بی شکل جلوه می کند، از نشانه های تعالی است (نظیر احساس زیبایی متأثر از مشاهده مناظر فرهنگی و آثار دستکند). در زیبایی بیشتر کیفیت ولی در تعالی کمیت مد نظر است. انرژی حاصل از زیبایی ما را به سمت ارتقای زندگی هدایت می کند در حالی که در تعالی پس از احساس لذت اولیه انرژی ما مانند احساسی قوی در درونمان موج می زند و ضرورتا احساس لذت نمی کنیم. مهمترین تمایز این دو آن است که در زیبایی کل منظر را درک کرده و از آن لذت می بریم بنابراین می توان آن را ارزش گذاری کرد. در مورد تعالی ، از آنجا که نمی توانیم به طور کامل آن را درک کنیم ، ارزشی که می توان برای آن قائل شد به دلیل ایجاد حس ترس و ... باشد. واکنش ما نسبت به زیبایی در بیشتر مناظر طبیعی و نیز در مناظر فرهنگی یا طراحی شده نسبتا خود به خودی است. نظم و تنوع از اجزای مهم زیبایی هستند. این دو عامل را در بسیاری مکان ها می توان یافت ولی همیشه با جز کلیدی روح مکان همراه نیستند. بسیاری از مناظر دارای نظمی تکراری می باشند ولی در آنها تنوع و روح مکان دیده نمی شود. (بل، 1382: 98)

<sup>1</sup> genius loci

<sup>2</sup>sublime

فریتز استیل خصوصیات نظیر هویت، تاریخ، تخیل و توهم، راز و رمز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی، شور و خاطره را موجب برقراری رابطه متمرکز با مکان می داند (فلاحت، 1385:63). از نظر سالواسن حس مکان از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و درهم تنیدگی فردی به وجود می آید که هر کدام از آنها به تنهایی برای خلق حس مکان کافی نیست. عوامل مختلفی چون بی حوصلگی، یکنواختی ساختمان ها و ظهور عصر دیجیتالی تهدیدی برای حس مکان از نظر او به حساب می آیند (Salvesen, 2002)

از نظر نوربرگ شولتز حس مکان در مکان هایی یافت می شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از عناصر ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است (Norberg-Schuls, 1997). همچنین از نظر لینچ نیز حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار کرده و وحدت به وجود می آورد و فضا باید هویت قابل ادراکی داشته باشد و قابل شناسایی و به یاد ماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد کند. این نوع حس مکان می تواند احساس تعلق نیز به همراه داشته باشد (cross, 2001)

تجربه تعالی، تجربه ای است که می تواند راهی برای تحسین زیبایی فراهم کند و مقیاس انسان را در مقایسه با مناظر طبیعی و در برخی موارد مناظر فرهنگی یا طراحی شده مورد توجه قرار دهد. بسیاری از مناظر فرهنگی نظیر آثار معماری دستکند مثل میمند با نظم و تنوع مخصوص به خود و حس مکان قوی و منحصر به فرد هم دارای زیبایی وهم تعالی اند. به هنگام رو به رو شدن مردم با منظر خاص قبول حس زیبایی و تعالی تا حد زیادی مشترک و جمعی است. ترجیحات فردی، لایه های فرهنگی و تجارب قبلی همگی عوامل پس ادراکی هستند که به لحاظ شخصی سبب ایجاد تفاوت های جزئی در ادراک می شوند. در واقع اگر آگاهی ما از منظر بیشتر باشد به تجربه عمیق تری از زیبایی دست می یابیم.

### بررسی مولفه های بزرگی و شدت (مولفه های وایتهد) در مناظر فرهنگی و آثار دستکند

آلفرد نورت وایتهد زیبایی را با تعریف دو حد بالا و پایین آن شرح می دهد. حد پایین زیبایی به این معناست که عدم سازگاری یا عدم تعادل خاصی در منظر نیست ولی با این حال حواس به اندازه کافی تحریک نمی شوند. حد بالا شامل یک یا چند تباین در بین آن دسته از عوامل ادراکی است که به شدت احساسات را بر می انگیزند. دو مشخصه منظر این احساسات شدید را بر می انگیزند. وایتهد اولی را بزرگی یا حضور جزئیات متفاوت با تباین موثر می خواند. بزرگی در طیفی از مقیاس های متفاوت، تنوع یا پیچیدگی را نیز در بر می گیرد. عامل دوم شدت نام دارد. به معنای بزرگنمایی قیاسی (اندازه) بدون توجه به تنوع جزئیاتی است که موجب بزرگی می شوند. خصوصیات شدت را می توان به بزرگنمایی تجربه تعالی نسبت داد. در جایی که بزرگی و شدت با هم وجود داشته باشند، شکلی از نظم و وحدت را می توان مشاهده کرد. وایتهد از اوج بزرگی و شدت در بالاترین حد آن با واژه قدرت یاد می کند که از برخی لحاظ شبیه به خصوصیات است که در منظر جاذب و دارای حس مکان قوی وجود دارد. (بل، 1382)

### همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن

استفن کاپلان خصوصیات ادراکی در منظر با حد بالای زیبایی را به صورت زیر بیان می کند:

همبستگی: توانایی دیدن و درک الگوی ذاتی منظر



پیچیدگی: گستره عناصر مختلف یک شی یا منظر که محرک حسی اند

مرموز بودن: جنبه هایی از منظر که نمی توان همزمان آنها را درک کرد (TVEIT&FRY,2008)

با بررسی موضوع ادراک در واقع مشخص شد که زیبایی محیطی، تنها ادراک متوالی اشیای متفاوت نیست، بلکه درک این موضوع است که چگونه الگوی منظر را به عنوان یک الگوی دارای وحدت یا همبسته ببینیم. این مسئله نتیجه خصوصیات فضایی مناظر مانند مجاورت، محصور بودن، به هم پیوستگی و شکل و زمینه (قوانین گشتالت)، اجزای ساختاری مانند مقیاس، تناسب، تعادل و کشش و اجزای نظم دهنده شامل سلسله مراتب، تغییر و تقارن است. (بل، ۱۳۸۷) بنابراین خصوصیات ذاتی منظر با یکدیگر ترکیب شده و کیفیات زیبایی مانند همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن یا روح مکان توسط ناظر ادراک می شود. به بیان ساده در زیبایی شناسی محیطی حس کلی زیبایی شناسی و تعالی بیشتر به خصوصیات کلی بستگی دارد تا به خصوصیات اجزای منظر.

لذت نه تنها از ظاهر یک منظر، بلکه از فهم عوامل ایجاد کننده زیبایی یا تعالی در آن نیز حاصل می شود. این موضوع بیشتر به لذت عقلی در فهم منظر تعبیر می شود تا لذت در خود منظر، و بدین مفهوم است که سطوح متفاوتی از لذت را در منظر می یابیم که از واکنش ادراکی اولیه تا تحسینی عمیق تر که از بازتاب ها یا توجهات بیشتر نشات می گیرد تشکیل می شود. (طاهباز، ۱۳۸۲) اکثر روستاها، دهات و جاده های پر پیچ و خم قدیمی و آثار معماری دستکند و سایر مناظر خودسازمانده دارای کیفیات همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن هستند. بر اساس مطالعات ادراکی و ترجیعی، چنین مناظری در مقایسه با نمونه های ساده تر هندسی و برنامه ریزی شده امتیازات بیشتری کسب می کنند. توصیف چنین مکان هایی مانند چشم انداز ها به عوامل بصری محدود نمی شود. بنابراین لذت ما از آنها تا حدودی از کشف و پردازش نقشه های ذهنی، وجود قابلیت ها و نشانه های قابل استفاده و تحرک حواس بدون نیاز به تلاش زیاد ایجاد می شود. این محیط ها دارای روح مکان نیز هستند و این مسئله سبب منحصر به فرد بودن آنها به گونه ای می شود که مناظر صنعتی فاقد آنند (بل، ۱۳۸۲). همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن را باید در بازتاب خصوصیات خاص هر منظر یافت. طرح های هندسی قابلیت پیش بینی بیشتری دارند در نتیجه هیچ معمایی وجود ندارد. لذت کامل و کیناستاتیک (درک شده توسط حرکت) در حین راه رفتن در کوچه های پر پیچ و خم، بالا رفتن از پله ها، گذر از سایه و آفتاب و در چرخش بدنمان در حین انجام این کارها ایجاد می شود. مسیرهای هندسی و مستقیم هیچ یک از این موارد را فراهم نمی سازند علاوه بر این بر اساس مدل وایتهد دارای بزرگی نیستند و فقط دارای شدت اند. سلسله مراتب یکی از خصوصیات مهم آثار دستکند است که کیفیتی فراکتال از زیر مجموعه هایی با اندازه ها و تناسبات متفاوت تشکیل می دهد و حس متغیری از محصور بودن و گشودگی ایجاد می کند. سلسله مراتب، نشان دهنده پیچیدگی ساختار فضایی، بزرگی و وجود همبستگی در منظر است که با ادامه جستجو، نمایانگر وحدت الگوست. چنین جنبه هایی از الگوهای خود سازمانده توجه همه را جلب می کند. گشتن در آثار معماری دستکند نظیر میمند و ... خوشایند است زیرا فهم خصوصیات این مکان ها و فهم الگوی آن نیاز به زمان دارد. همانطور که قبلا در مورد ماهیت ادراکی زیبایی بحث شد، در زیبایی شناسی پیوسته با محیط (نظیر آثار دستکند و روستاهای قدیمی و الگوهای فراکتال و...) نیاز به آگاهی قبلی برای تحسین یک منظر نیست. لذت ایجاد شده در این مناظر بیشتر از طریق جستجو و درکی پدید می آید که نتیجه کشف فضا است.

## یافته ها و بحث

تئوری گشتالت اصول تقرب، تشابه، انسداد، استمرار و هم جهتی به عنوان عوامل خارجی و اصول آشنایی و آمادگی ذهنی را به عنوان عوامل موثر بر تشکیل طرحواره ها و ادراک زیبایی فرمی معرفی می کند. وجوه نظری زیبایی شناسی شامل

مقولاتی مانند: کمال، تعادل، یادآوری و هویت، معنا، هماهنگی، وحدت و ... است که تجلی آن در منظر به صورت رمز گرای، مرکز گرای، سلسله مراتب، حد، تقارن، تداوم، تنوع، انعطاف پذیری و ... می باشد.

سایمون بل معیارهای زیبایی شناسی منظر را به سه دسته تقسیم می کند، اول، تنوع و پیچیدگی که باعث تحریک حواس، کنجکاو و تخیل، احساس اشتیاق و لذت کشف می گردد. دوم، ترکیب بندی یا کمپوزیون که چه در طبیعت چه در آثار هنری از عوامل پیدایش شکل زیباست. سوم، ابهام که یکی از ویژگی های ادراکی است چه در عرصه طبیعت یا اثر هنری موجب انگیزش ذوقی و تنوع عواطف می گردد که به شکل استعاره، سایه روشن، نماد سازی و ابهام نمود می یابد.

بیرکھوف معتقد است که چیزی زیباست که با کمترین علامات ممکن، بیشترین نظم ممکن را عرضه کند؛ اما زیبایی تنها از طریق نظم و قاعده به دست نمی آید، بلکه نتیجه دو صفت متضاد است که هر دو به یک اندازه ضروری هستند و هنر موفق، هنری است که مکالمه ای دوجانبه با ذهن به وجود آورد، چالش های ذهنی به وجود آورد و بازتاب هایی ایجاد کند. ترکیبی که کاملاً هماهنگ و وحدت یافته باشد، ترکیبی خسته کننده خواهد بود.

همبستگی و پیچیدگی و مرموز بودن عوامل عمومی نسبتاً معتبری هستند و سبب می شوند تحسین زیبایی از حالت فردی به یک تجربه جمعی تبدیل گردد. زیبایی پیوندی چند حسی و فراگیر با محیطی است که ما از اجزای طبیعی آنیم. زیبایی یا تعالی می تواند احساس لذتی روزمره و معمولی در اطرافمان باشد که بیشترین حد آن در منظر با کیفیات همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن است. بر اساس نظریه زیبایی شناسی وایتهد بزرگی یا تنوع تباينات، همراه با خصوصیات شدت یا بزرگنمایی قیاسی بدون نیاز به تنوعات کیفی قادرند منظر قدرتمندی ایجاد کنند. منظر قدرتمند دارای ویژگیهای زیر است

تنوع/پیچیدگی : که بر حسب پیچیدگی و از طریق عناصری با مقیاس ها و لایه های متفاوت و متضاد باهم تعریف می شود. این خصوصیت در تمامی مناظر خودسازمانده به چشم می خورد.

همبستگی : که بر حسب ساختار منظمی که در آن کل مهمتر از جمع اجزاست قابل درک است، این خصوصیت غالب مناظر طبیعی یا فرهنگی خودسازمانده، برنامه ریزی شده یا طراحی شده است. وحدت و هماهنگی با این خصوصیات مترادف اند.

روح مکان : ناشی از منحصر به فرد بودن مکان است؛ تمامی مناظر خودسازمانده و آثار معماری دستکند و مناظری که به خوبی طراحی شده اند موجب ایجاد چنین کیفیتی می شوند.

مرموز بودن : به این معنا که منظر دارای همبستگی است ولی نمی توان تمام آن را به طور همزمان درک کرد. این موضوع ما را به کشف این مناظر تشویق می کند در حالی که در نمونه های ساده سازی شده نمی توان آن را یافت.

مقیاس های چند گانه : زمانی است که در الگوی منظر سلسله مراتب یا طیفی از مقیاس ها در رابطه با مقیاس انسان دیده می شود این کیفیت جنبه ای از بزرگنمایی قیاسی است و چهارچوبی برای پیچیدگی فراهم می کند ، همچنین موجب ایجاد تنوع چه در فاصله خیلی دور و چه در فاصله خیلی نزدیک می شود.

قدرت : ترکیب عوامل فوق موجب تقویت یکدیگر می شوند سبب می شود حاصل زیبایی تا حد امکان قدرتمند باشد. این کیفیات در گستره تغییرات طبیعی که توسط اقلیم، شکل زمین و اکولوژی حاصل می شود به حد اکثر خود می رسد.

## نتیجه گیری

در توسعه های کنونی که با اهداف اقتصادی صورت می گیرد، اغلب زیبایی به عنوان یک موضوع اختیاری در نظر گرفته می شود. زیبایی ممکن است به دلیل ناآگاهی نادیده انگاشته شود؛ مثلاً وقتی که ادراک از منظر بر پایه اهمیت عملکرد باشد. در چنین شرایطی مناظر فرهنگی مثل آثار دستکند یا نمونه های امروزی طراحی همگام با اکولوژی منظر که عملکرد را در کنار زیبایی و بدون اجبار محیط به پذیرش آن خلق می کنند، نمونه هایی بی نظیراند و با بررسی خصوصیات این مکان ها می توان آن دسته از کیفیات احساسی را که موجب ایجاد تجربه زیبایی می شوند مشخص کرد. در طراحی منظر علاوه بر ملاحظات اکولوژیکی بستر طراحی، نقش فرهنگ و جهان بینی و مبادی فکری و فلسفی که در نتیجه شیوه زندگی و در واقع معنا بخش و تعریف کننده زندگی است، دارای نقش بنیادی است. در این حرکت در نظر گرفتن سایر اصول زیباشناسی همچون هماهنگی هویت و یادآوری و تذکر و آگاهی و توجه به معنا ضرورت دارد. هر جا که تاریخ توسعه منظر قدمت بیشتری دارد تفاوت کمتری بین طبیعت و فرهنگ به چشم می خورد. در روستاها و شهرهایی که برای مدت طولانی محل زیست بوده اند می توان ارزش های زیبایی مشابه با بیشتر مکان ها طبیعی را مشاهده کرد. لذت حاصل از احساس این نوع زیبایی به دلیل به کارگیری تمام حواس در درک آن است. با الگوگیری از این مناظر و رعایت معیارهای زیبایی شناسانه آنها در طراحی سایر مناظر امروزی، که در این مقاله بسط داده شد، می توان به طراحی منطقی زیبا منطبق با اکولوژی سایت و بدون اجبار محیط به پذیرش زیبایی دست یافت. بدیهی است که در چنین حالتی هزینه های نگهداری و مدیریت منظر تقلیل یافته و ارتباط ناظر و منظر نیز بیشتر و حس تعلق و هویت مانع از تخریب آن می گردد.

## مراجع

- ۱) امین زاده، بهناز. ۱۳۸۹. ارزیابی زیبایی و هویت مکان. نشریه هویت شهر. شماره ۷. ۳-۱۴
- ۲) آیوازیان، سیمون. ۱۳۸۱. زیبایی شناسی و خاستگاه آن در نقد معماری. مجله هنرهای زیبا. شماره ۱۲. ۶۴-۷۰.
- ۳) بل، سایمون. (1387). عناصر طراحی بصری در منظر. ترجمه محمدرضا مثنوی. انتشارات دانشگاه تهران. ۲۵۶ص.
- ۴) بل، سایمون. (۱۳۸۲). منظر، الگو، ادراک، فرایند. ترجمه بهناز امین زاده. انتشارات دانشگاه تهران. ۴۴۰ص.
- ۵) فلاحت، محمدصادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. مجله هنرهای زیبا. شماره ۲۶. ۵۷-۶۶
- ۶) طاهباز، منصوره. ۱۳۸۲. زیبایی در معماری. مجله صفه. شماره ۳۷. ۷۵-۹۷
- ۷) ماتلاک، جان. ۱۳۸۷. آشنایی با طراحی محیط و منظر. سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران. چاپ اول. ۶۶۷ص.
- ۸) وحیدزادگان، فریبا. ۱۳۹۰. زیبایی اکولوژیک منظر شهری با بکارگیری اصول natural scape در طراحی فضای سبز. مجله میلیو. شماره ۸. ۵۷-۵۸..
- 9) Cross, Jennifer E. (2003), "What is Sense of Place", *Research on Place & Space Website*, 20 Feb. 2003; 12 Mar. 2003
- 10) HAGERHALL M. CAROLINE & SANG NEIL, (2010), "Visual Landscape Complexity :Theory and Application". Department of Landscape Planning, Swedish University of Agricultural Sciences, LANDSCAPE RESEARCH, Vol. 35, No. 1, 111-131
- 11) Norberg-Schulz, Christian (1997), "The Phenomenon of Place", Princeton Architectural Press, New York.
- 12) Salvesen, David (2002), "The Making of Place"; *Research on Place & Space Website*, 20 Feb. 2003, 12 Mar. <<http://www.matr.net/print-4108.html>>.





1. TVEIT. MARIS & FRY. GARY,(2008),” Capturing Landscape Visual Character Using Indicators: Touching Base with Landscape Aesthetic Theory”, Swedish University of Agricultural Sciences, LANDSCAPE RESEARCH, Vol. 33, No. 1, 89 – 117

## **A Study of Aesthetic Criteria of cultural landscape and Their Role in the Experience and Perception of landscape ecological Beauty**

Fariba vahidzadegan<sup>1</sup>, Hamid Matinkhah<sup>2</sup>, Manije Asayesh<sup>3</sup>

<sup>1</sup>Department of green space design, Khorasgan (Isfahan) Branch , Islamic Azad University

<sup>2nd</sup> Ph. D. Associate Professor, Isfahan University of Technology

<sup>3rd</sup> M.S.student in Environmental Design, University of Tehran

\*f.vahidzadegan@yahoo.com

### **Abstract**

One of the approaches to aesthetics is ecological aesthetics meaning to maintain the integrity and beauty of living community that makes our thinking about experience of beauty, as a visual process with momentary pleasure, change to comprehensive thinking. A part of the ecology of landscape is related to views formed during interaction between human and environment with the aim of providing shelter. What we witness as cultural landscape nowadays; especially, troglodytic architectural works such as Kandovan and Meymand, unique works that will be unlikely to be ever repeated, and apart from the historical value, because of their effects on experience and perception of beauty, are of great importance. This article evaluates the quality of landscape aesthetics based on the approach that “Beauty is in the nature of the landscape” and objective and visual aspects of cultural landscapes such as troglodytic architectural works from aesthetic point of view and their role in perception and experience of beauty. The results show that there is a strong relationship between landscape aesthetics and lack of obligation to accept the beauty. In fact, beauty is not merely achieved through order and rule; rather, it is the result of two opposite attributes which are equally necessary such as variety and complexity, unity, mystery, genius loci, multiple scale and strength. Ecological aesthetic criteria set for these landscapes can be taken into consideration and can be used in future designs.

**Keywords:** ecological aesthetic, cultural landscape, perception of beauty, landscape ecology